

تفسیر تنزیلی

(به ترتیب نزول)

مبانی، اصول، قواعد و فواید

عبدالکریم بهجت پور

شناسنامه پژوهشی

عنوان تحقیق: درآمدی بر تفسیر تنزیلی (مبانی، اصول، قواعد و فواید)

پژوهشکده: حکمت و دین پژوهی، گروه علمی: قرآن پژوهی

محقق: عبدالکریم بهجت پور

ارزیابان علمی: حجت الاسلام والمسلمین آقای سید منیر حکیم و دکتر محمد شاکر

موضوع اصلی: بررسی تفسیر به ترتیب نزول

مدت انجام تحقیق: ۳ سال



تفسیر تنزیلی (به ترتیب نزول)

میانی، اصول، قواعد و فواید

عبدالکریم بهجت پور

ناشر: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

چاپ اول: ۱۳۹۲ شمارهگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان

طراح جلد: سیدابراهیم نوری نجفی

چاپ و صحافی: بیدار

سرشناسه: بهجت پور، عبدالکریم، ۱۳۲۲.

عنوان و نام پدیدآور: تفسیر تنزیلی (به ترتیب نزول): میانی، اصول، قواعد و فواید / عبدالکریم بهجت پور

مشخصات نشر: تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: ۴۴۸ص.

شابک: ۸ - ۲۱۰ - ۱۰۸ - ۶۰۰ - ۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: تفاسیر شیعہ - قرن ۱۴.

شناسه افزوده: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

ردمبندی کنگره: ۱۳۹۱ ۷۹۷/۹۷ BP

ردمبندی دیویی: ۲۹۷/۱۷۹

شماره کتابشناسی ملی: ۳۰۷۴۰۹۱

فروشگاه و نمایشگاه دائمی: تقاطع بزرگراه شهید مدرس و خیابان شهید بهشتی، پلاک ۵۶

تلفن: ۸۸۵۰۵۴۰۲ - ۸۸۵۰۳۳۴۱

همه حقوق محفوظ است

فهرست

پیشگفتار.....	۱۱
مقدمه.....	۱۵
فصل اول: کلیات.....	۲۵
۱. واژه‌های کلیدی.....	۲۵
۱-۱. مبانی.....	۲۵
۱-۲. اصل.....	۲۶
۱-۳. قاعده.....	۲۹
جمع‌بندی نظر مختار.....	۳۱
۱-۴. تفسیر.....	۳۲
۱-۵. روش.....	۳۴
۱-۶. سبک.....	۳۶
۱-۷. ترتیب تنزیلی.....	۳۷
۲. ضرورت تحقیق در مباحث نظری تفسیر.....	۳۸
۳. ضرورت مطالعه در جواز و مشروعیت سبک تفسیر تنزیلی.....	۴۰
۴. پیشینه بحث.....	۴۲
فصل دوم: مبانی.....	۴۷
۱. مشروعیت و جواز تفسیر تنزیلی.....	۴۸
۱-۱. سیر ابلاغی و تعلیمی رسول اکرم ﷺ.....	۴۹

- ۱-۲. ساختار ترتیب سوره‌ها در مصحف امیرمؤمنان(ع)..... ۵۶
- توضیح مطلب..... ۵۶
- ۱-۳. ترغیب معصومان(ع) به قرائت و فهم ترتیب نزول..... ۶۰
- ۱-۴. استفاده معصومان(ع) و اصحاب آنان از این سبک در تفسیر..... ۶۲
- ۱-۵. مقایسه با سبک موضوعی..... ۶۶
- اشکال و دفع..... ۶۷
۲. آینه‌سان بودن فطرت و دین..... ۶۸
- ۲-۱. تأکید قرآن بر توافق فطرت و دین..... ۶۹
- ۲-۲. وحدت دین و فطرت بر محور توحید..... ۷۱
- ۲-۳. هماهنگی آموزه‌های قرآنی با فطرت..... ۷۲
- ۲-۴. تأثیرپذیری انسان از خانواده و جامعه..... ۷۳
- ۲-۵. نسبت سه عامل فطرت، خانواده و اجتماع..... ۷۴
- ۲-۶. قرآن و تواناسازی انسان در اصلاح خود و فرهنگ..... ۷۵
- ۲-۷. نقش قرآن در فرایند تغییر و اصلاح..... ۷۵
- ۲-۸. نقش این مبنا در تفسیر تنزیلی..... ۷۶
۳. حکیمانه‌بودن محتوا و نظم نزولی قرآن..... ۷۷
۴. شمول و گسترش پیام قرآن..... ۸۴
۵. هدایت مآلی قرآن..... ۹۰
- ۵-۱. دیدگاه‌های دانشمندان درباره رسالت قرآن..... ۹۱
- ۵-۲. نقد و ارزیابی دیدگاه‌ها..... ۱۰۳
- ۵-۳. دیدگاه مختار در بیان رسالت قرآن..... ۱۰۹
- ۵-۳-۱. توضیحی پیرامون مطلب..... ۱۰۹
- ۵-۳-۲. تحلیل روان‌شناختی خواست‌های مهم انسان..... ۱۱۱
- ۵-۳-۳. هدایت، هدف اساسی قرآن..... ۱۱۲
- ۵-۳-۴. هدایت و روابط انسان..... ۱۱۳
- ۵-۳-۵. انواع اهداف..... ۱۱۴

- ۵-۳-۶. روش هدایت ۱۱۴
- ۵-۴. جمع‌بندی بحث در مبنای پنجم (رسالت قرآن) ۱۱۶
۶. گفتاری بودن زبان قرآن ۱۲۰
- ۱-۶. تأکید خداوند بر گفتاری بودن سبک قرآن ۱۲۱
- ۲-۶. عرف عام - خاص بودن زبان قرآن ۱۲۵
- فصل سوم: اصول تفسیر تنزیلی ۱۳۳
۱. اولویت تربیت ۱۳۳
۲. نیاز تربیت به تدریج ۱۳۷
۳. عدم تعارض تفسیر تنزیلی با توقیفیت ترتیب سوره‌ها در مصحف رسمی ۱۴۲
- ۳-۱. جمع قرآن در عهد رسول الله ﷺ ۱۴۳
- ۳-۲. یادآوری چند نکته ۱۴۴
- ۳-۳. ترتیب سوره‌ها در مصاحف صحابه ۱۴۸
- ۳-۴. چینش سوره‌ها در مصحف امیر مؤمنان (ع) ۱۵۴
- جمع‌بندی بحث ۱۶۰
- ۳-۵. نکته مهم ۱۶۰
۴. نادرستی بسندگی به اجتهاد در جداول ترتیب نزول سوره‌ها ۱۶۲
- ۴-۱. تاریخ گذاری قرآن ۱۶۳
- ۴-۱-۱. پیشینه تاریخی ۱۶۴
- ۴-۱-۲. روش تاریخ گذاری قرآن از نظر خاورشناسان ۱۶۵
- ۴-۱-۳. بررسی و نقد تاریخ گذاری قرآن ۱۸۰
- ۴-۱-۴. جدول پیشنهادی مهندس بازرگان ۱۹۲
- ۴-۱-۵. بررسی و نقد ۱۹۵
- ۴-۱-۶. نظریه مختار در جدول ترتیب نزول ۱۹۶
۵. توقیفیت ترتیب آیات سوره‌ها ۱۹۸
- ۵-۱. اصل اولیه در چینش آیات در سوره‌ها ۱۹۹
- ۵-۲. ثبت موردی آیات برخلاف ترتیب نزول ۲۰۲

فصل چهارم: قواعد تفسیر به ترتیب نزول.....	۲۰۷
نمونه قواعد در تفسیر قرآن.....	۲۰۷
۱. روش کشف انسجام سوره‌ها.....	۲۰۸
ضابطه فهم غرض سوره.....	۲۱۸
۲. روش کشف ارتباط و تناسب میان آیات و سوره‌ها در ترتیب نزول.....	۲۲۱
فایده علم مناسبات.....	۲۲۱
۲-۱. تناسب میان آیات هر سوره.....	۲۲۳
۲-۱-۱. ادعای مخالفان.....	۲۲۵
۲-۱-۱-۱. بررسی این نظر.....	۲۳۶
۲-۱-۳. پاسخ اتهامات پیوستگی آیات.....	۲۳۰
۲-۱-۴. خلاصه بحث در تناسب آیات.....	۲۳۸
۲-۲. تناسب و ارتباط میان سوره‌ها.....	۲۳۹
۲-۲-۱. تناسب سوره‌ها در مصحف رسمی.....	۲۳۹
۲-۲-۲. ادله موافقان تناسب.....	۲۴۰
۲-۲-۳. نظریه مختار.....	۲۴۱
۲-۳. تناسب سوره‌ها در ترتیب نزول طبیعی.....	۲۴۳
۲-۳-۱. حکمت نزول سوره‌ها.....	۲۴۳
۲-۳-۲. مفاهیم کلیدی و تناسب سوره‌ها.....	۲۴۶
۲-۳-۳. تناسب محتوایی تمام سوره‌ها.....	۲۴۹
۲-۴. ضابطه کشف تناسب سوره‌ها.....	۲۵۳
۳. تفسیر دقیق‌تر قرآن به قرآن.....	۲۵۵
۳-۱. اقسام تفسیر قرآن به قرآن.....	۲۵۵
۳-۲. بررسی و نقد کلام علامه طباطبایی.....	۲۵۸
۳-۳. نقش ترتیب نزول در کشف برخی مقاصد عالیه قرآن.....	۲۶۸
۳-۳-۱. بیان سیر تحول ابرازکننده‌های مفاهیم.....	۲۶۸
۳-۳-۲. بیان روش‌ها.....	۲۷۲

۳-۳-۳. نظام‌واره‌ها.....	۲۷۵
۴. روش دسته‌بندی روایات مرتبط با قرآن.....	۲۷۷
۵. روش بهره‌گیری از روایات اسباب نزول.....	۲۸۰
۵-۱. تعریف سبب نزول.....	۲۸۴
۵-۲. اهمیت اسباب نزول.....	۲۸۵
۵-۳. ملاک و شاخصه‌های اعتبار روایات اسباب نزول.....	۲۸۷
۵-۴. پاسخ به دغدغه‌های علامه درباره روایات اسباب نزول.....	۲۹۲
۵-۵. دشواری‌های روایات اسباب نزول.....	۲۹۵
۵-۱-۵. تعدد سبب با وحدت نازل.....	۲۹۵
۵-۲-۵. تعدد نزول با وحدت سبب.....	۲۹۷
۵-۶. آیات مرتبط با اسباب نزول.....	۲۹۸
۶. روش دستیابی به جدول ترتیب نزول سوره‌ها.....	۳۰۱
۱-۶. عدم دسترسی به جدول منقول از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله	۳۰۲
۲-۶. پیشینه نگارش درباره ترتیب نزول.....	۳۰۴
۳-۶. نگاهی اجمالی به جداول ترتیب نزول.....	۳۰۸
۴-۶. جداول منقول از اهل بیت (ع).....	۳۱۱
۱-۴-۶. گزارش‌های مربوط به اولین و آخرین سوره.....	۳۱۱
۲-۴-۶. گزارش‌های ترتیب نزول سوره‌ها.....	۳۱۴
۳-۴-۶. جداول ترتیب نزول منسوب به ائمه اطهار.....	۳۱۶
۵-۶. جداول منقول از صحابه و تابعان.....	۳۱۹
۱-۵-۶. گزارش نخستین و آخرین سوره‌ها از طریق صحابه.....	۳۲۰
۲-۵-۶. جداول نزول سوره‌ها از طریق صحابه و تابعان.....	۳۲۳
۳-۵-۶. جداول ترتیب نزول صحابه و تابعان.....	۳۲۸
۴-۵-۶. یادآوری چند نکته.....	۳۴۴
فصل پنجم: فواید تفسیر تنزیلی.....	۳۴۹
۱. کشف روش تحول دینی.....	۳۴۹

۲.	کشف مراحل تغییر، تحول و تثبیت ارزش‌های اسلامی	۳۵۴
۳.	کشف هندسه تحول اسلامی	۳۶۰
۴.	تحلیل درست چالش‌ها و ارتباط آنها با هندسه تغییر و تحول دینی	۳۶۴
۵.	سیر تثبیت و سکونت قلب پیامبر(ص) متناسب با نزول پیام‌های الهی	۳۶۷
۶.	گسترش و تعمیق نگاه تربیتی و آموزشی به مقوله تفسیر	۳۷۳
۷.	کاربردهای رعایت ترتیب نزول در تفسیر	۳۷۴
۷-۱.	درک بهتر کاربرد الفاظ مترادف	۳۷۴
۷-۲.	تشخیص درستی اسباب نزول	۳۷۸
۷-۳.	کشف مراد استعمالی واژه‌ها	۳۷۹
۷-۴.	فهم بهتر روایات تطبیقی، تنزیلی	۳۸۰
۷-۵.	تقلیل احتمالات تفسیری	۳۸۲
۷-۶.	توضیح مناسب‌تر وحدت درونی آیات و ارتباط میان سوره‌ها	۳۸۵
۳۸۹	خاتمه	
۳۹۵	کتابنامه	
۴۰۹	فهرست آیات	
۴۲۳	فهرست روایات	
۴۲۷	نمایه	

پیشگفتار

پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و استقرار نظامی بر اساس بینش‌ها و ارزش‌های توحیدی - ولایی عامل بیداری جهانی و احیای تفکر دینی شد؛ تفکری جامع و کامل که در عرصه حیات انسان معاصر امیدزا، حیات‌بخش و حرکت‌آفرین بود.

تجدید حیات اندیشه و حیاتی و ارزش‌های معنوی از سویی سبب خودآگاهی و خودباوری ملت‌های مسلمان و بازیابی کرامت و عزت و اقتدار اسلامی - انسانی و احیای روح ستم‌ستیزی آنان شد و از دیگر سو باعث بر ملا گشتن سست‌پایگی مکتب‌ها و مسلک‌های ماتریالیستی، لیبرالیستی، سکولاریستی و نظام‌های مبتنی بر آنها گردید.

بایستگی تحقیق دقیق، جامع و روشمند در خصوص ریرساخت‌های اندیشه و معرفت اسلامی و نظام‌های اجتماعی مرتبط با آن همچنین ضرورت پرداخت علمی و نوآمد نیازهای فکری - معرفتی و پاسخگویی به پرسش‌ها و شبهات جدید و عصری، لزوم آسیب‌شناسی در ساحت فرهنگ و باورداشت‌های دینی را، به منظور تبیین آموزه‌ها و گزاره‌های اصیل دینی و دفاع عقلانی از آنها، زدودن پیرایه‌های موهوم و موهون از ساحت قدسی دین و تغذیه و تعمیق معرفت ناب اسلامی جامعه علمی و نسل جوان کشور، تأسیس نهاد علمی - پژوهشی و آموزشی کارآمد را بدیهی و فرض می‌نمود. بدین منظور پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، که نهادی علمی است، در سال ۱۳۷۳ تأسیس شد.

پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در قالب چهار پژوهشکده «حکمت و دین پژوهی»، «نظام‌های اسلامی»، «فرهنگ و مطالعات اجتماعی»، «دانشنامه‌نگاری دینی» و «مرکز پژوهش‌های جوان» فعالیت می‌کند.

پژوهشکده حکمت و دین پژوهی با توجه به رسالت عظیمی که در ساحت تبیین، تحکیم و دفاع عالمانه و عقلانی، کشف منطق فهم و معرفت دینی، حضور بالفعل علمی در مواجهه با جریان‌های رقیب و معارض و تقویت و توسعه معرفتی جریان‌های همسو و فعال‌سازی آنها در ساحت اندیشه و انگیزه اسلامی دارد، مشتمل بر گروه‌های علمی «قرآن پژوهی»، «کلام» و «منطق فهم دین» است و در جهت تحقق اهداف ذیل تلاش می‌کند:

۱. بازپژوهی و بازبررسی حکمت، کلام و معارف اسلامی؛
۲. تبیین و ساماندهی مناسب مباحث زیرساختی اندیشه دینی؛
۳. ایجاد بستر مناسب برای تعمیق، پویایی و بالندگی اندیشه دینی؛
۴. پاسخ به شبهات القایی در قلمرو عقاید و کلام اسلامی؛
۵. نقد مکاتب و دیدگاه‌های معارض در حوزه زیرساخت‌های اندیشه اسلامی.

در جهت پیراستگی و بالندگی اندیشه دینی، هر یک از گروه‌ها پس از تهیه عنوان‌های مطالعاتی اساسی و اولویت‌گذاری و تهیه پیش‌طرح و تصویب آن در شورای علمی گروه، آن را به اعضای هیئت علمی خود یا محققان عرصه دین پژوهی واگذار می‌کنند، و خود بر روند اجرا و فرایند تحقیق و تولید نظارت می‌کنند تا پژوهش و پردازشی درخور و معطوف به نیازهای جامعه علمی انتشار یابد و در دسترس عموم فرزندان و دانش‌پژوهان ساحت معرفت دینی قرار گیرد.

قرآن کریم، مستقن‌ترین، معتبرترین، جامع‌ترین، اثرگذارترین، هدایت‌بخش‌ترین و روشن‌ترین متن آسمانی نازل شده است که درک توأم با عمل به آن ضامن سعادت فرد و جامعه در دنیا و آخرت، در طول حیات بشریت است؛ اما اختلاف سطح مخاطبان، نیازهای رو به رشد، ظهور مکاتب و آرای جدید و سؤال‌ها و شبهات فزاینده از یک طرف و ضرورت نگاه جامع به قرآن و دیگر منابع همراه با درک روشمند از قرآن، موجب شد تا پژوهشگرانی

به تحقیقات قرآنی پردازند و معارف درون قرآنی و مباحث برون قرآنی را با محتوا و ساختاری نو و کارآمد ارائه دهند. گروه قرآن پژوهی، در سال ۱۳۷۸، برای تحقق اهداف فوق تأسیس گردید و تا کنون منشأ آثار ارزشمند فراوانی شده است.

قرآن با ترتیب خاصی نازل شده، ترتیبی که با ترتیب فعلی متفاوت است. ترتیب نازل شده بهترین و بیشترین اثر را بر جامعه مکی و مدنی داشته است؛ چراکه نزول هر بخشی از آن، با توجه به وضعیت آن جوامع و نیاز مخاطبان آن جامعه به خصوص است. بررسی این وضعیت می تواند در عرصه های مختلف، از جمله نحوه تفسیر قرآن و نیز مهندسی تحول یک جامعه از مرحله خرافه پرستی و جهالت به مرحله ایمان و تمدن و نهادینه کردن روش تحول، کمک کند. به همین علت است که اخیراً در میان مفسران، این سبک تفسیری رونق فزاینده ای یافته است.

اثر حاضر نوشته جناب **حجت الاسلام والمسلمین آقای دکتر عبدالکریم بهجت پور** است که سالیان درازی از عمر پیرکت خود را به این امر اختصاص داده است و این اثر را در محافل علمی گوناگون، در معرض نقد اندیشمندان موافق و مخالف گذارده است تا عمق بیشتری یابد. این اثر به شکل حاضر - شامل مبانی، اصول، قواعد و فوائد - برای نخستین بار در عرصه قرآن پژوهی، به چاپ می رسد؛ امید است ایشان و دیگر اندیشمندان در آینده این روش را با غنای بیشتری تداوم دهند تا به نگارش تفسیری با همین سبک انعامد. انشاء الله.

در پایان از اعضای محترم شورای علمی گروه قرآن پژوهی، مؤلف محترم اثر و نیز ارزیابان ارجمند آقایان **حجت الاسلام والمسلمین سید منذر حکیم و دکتر محمد شاکر** و همچنین از سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی که عهده دار آماده سازی، چاپ و توزیع این اثر است قدردانی و تشکر می کنیم و از خداوند متعال توفیق روز افزون شان را خواهانیم.

گروه قرآن پژوهی

پژوهشکده حکمت و دین پژوهی

www.ketab.ir

مقدمه

الحمد لله الذى انزل الكتاب الى محمد ﷺ ليخرجنا من الظلمات الى النور باذنه الى صراط العزيز الحميد وصلى الله على رسولنا ليطلع علينا آياته و يعلمنا الكتاب والحكمه و ان كنا من قبل لفي ضلال مبين و على عترته الذين يرثون الكتاب العاملون به و السابقون بالخيرات المذكور فيه.

تفسير از شريف ترين دانش هاى اسلامى است كه هم زمان با فرود آمدن نخستين آيات شكل گرفت. اين علم در طول تاريخ مسير تطور و تكامل را پيمود و به روش ها و گرايش هاى گوناگون و سبك هاى كه همديگر را تكميل مى كردند، تدريس و تدوين شد. به طور مسلم درباره هيچ متنى تا اين اندازه پژوهش درون متنى و پيرامونى صورت نگرفته است.

يكى از سبك هاى تفسيرى رعايت ترتيب نزول سوره ها همگام با فرود آمدن آنها بر پيامبر اکرم ﷺ است. در اين سبك يكصد و چهارده سوره قرآن، به همان ترتيبى كه فرود آمده است، مطالعه مى شود. تفاوت جوهرى اين سبك تفسيرى با تفسيرنگارى هاى مرسوم (ترتيب مصحفى و موضوعى) تلاش مفسر در دستيابى به سامانه نزول سوره ها و آيات در فرايند تدريجى ۲۳ سال رسالت پيامبر اکرم ﷺ است.

مفسر در سبك ترتيب نزول به مبانى صدورى و ماهيتى قرآن توجه ويژه

می‌کند. در این سبک، نزول تدریجی قرآن به شدت مورد اهتمام قرار می‌گیرد. نزول مکرر و مستمر آیات و سوره‌ها بخش‌هایی از مرادهای خدای متعال را آشکار می‌سازد. افزون آنکه در نظم و تعاقب و پی‌درپی بودن نزول آیات و سور و ملاحظاتی که میان واقعیت جامعه مخاطبان عصر نزول و اراده‌های خدا وجود دارد، حکمت‌هایی نهفته است که تنها با مطالعه قرآن با این سبک نمایان خواهند شد. ملاحظه معاصران نزول به عنوان جامعه مدل و نمونه، اقتضا می‌کند تا افزون بر معارف و دستورات عام و خاص قرآن، روش‌های تغییر و تحول دینی جامعه نیز متناسب با نقش تربیتی قرآن استخراج شود. هویت سبک تفسیر به ترتیب نزول توجه به این بُعد مهم قرآن است. به دلیل همگامی این سبک تفسیری با فرآیند تدریجی و پیوسته نزول، مفسر در این سبک در فضا و جو نزول قرار می‌گیرد این امر موجب می‌شود تا مفسر از راهی مطمئن و آسان شرایط و ظرف نزول آیات و سور را به دست آورد و به همین دلیل تفسیرنگاری در این سبک، از نظر توجه به جو و فضای نزول مایه‌ور می‌شود. این سبک تفسیری به انسجام مجموعه آیات هر سوره و معناداری روابط ظاهر و پنهان آیات درونی سوره و سیاق و تناسب میان آنها توجه ویژه می‌کند و از کنار موارد به ظاهر غیرمتناسب به سادگی عبور نمی‌کند. افزون آنکه حدامقدور تلاش می‌کند در صورت وجود ارتباط و تناسب معنادار میان سوره‌ها در ترتیب طبیعی نزول یا سیاقی که از مجموعه سوره‌های نازل شده در یک قطعه زمانی به دست می‌آید، برای فهم مرادهای خدای حکیم بهره گیرد. در این سبک تفسیری نقش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، به عنوان معمار تغییر و تحول، مورد توجه جدی قرار می‌گیرد و تلاش می‌شود میان آموزه‌های تربیتی جامعه و تذکارها، توصیه‌ها، تسلیت‌ها و سایر رهنمودهای خدا به ایشان، که در لابه‌لای آیات و سور آمده است، ارتباط برقرار شود. در این سبک به حکمت، توصیه‌ها و رهنمودهای ویژه خداوند به رسول خاتم صلی الله علیه و آله توجه ویژه می‌شود. مفسران این سبک بر این باورند که این نگاه تفسیری، دانش‌هایی افزون بر دیگر سبک‌های تفسیری را فراچنگ پژوهشگران قرار می‌دهد و برخی از ابعاد

جدید معنایی قرآن را در اختیار قرآن‌پژوهان می‌گذارد. به نظر ایشان در ترتیب نزول سوره‌ها علمی افزون بر ترتیب مصحفی قرآن یا ترتیب موضوعی (بی‌عنایت به ترتیب نزول) نهفته است. *ابن جزری* *کلبی* در وصف مصحف *امیرمؤمنان علی*، که روزنگاری به ترتیب نزول بود، می‌نویسد: «ولو وجد مصحفه لكان فيه علم كبير ولكنه لم يوجد^۱؛ اگر مصحف ایشان یافت می‌شد در آن دانش بزرگی وجود داشت، اما متأسفانه یافت نشد».

همچنین علامه بلاغی، به نقل از محمدبن سیرین، پس از بیان دلیل عدم بیعت حضرت علی *علیه السلام* با ابوبکر و ادعای تأخیر بیعت، به دلیل اشتغال به جمع قرآن و توصیف این قرآن به اینکه به ترتیب نزول بوده است، می‌نویسد: «فلو اصبحت ذلك الكتاب كان فيه علم^۲؛ اگر به این کتاب دسترسی داشتم در آن علم و دانش نهفته بود».

ملاحویش آل غازی در مقدمه تفسیر بیان المعانی که به ترتیب نزول است، تصریح می‌کند که به ترتیب نزول بودن مصحف علی *علیه السلام* به سبب مخالفت با جمع مشهور صحابه نبود، بلکه:

أراد أن تعلم العامة تاريخ نزوله ومكانه وزمانه وكيفية إنزاله واسباب تنزيله وقائمه وحوادثه ومقدمه ومؤخره وعامته وخاصته ومطلقه ومقيدة وما يستمي بناسخه ومنسوخه باديء الرأي، دون تكلف المراجعة أو سؤال ولقاصد آخر...^۳
حضرت اراده کرد تاریخ، مکان، زمان و کیفیت فرود آمدن، اسباب نزول و وقایع و حوادثی را که موجب نزول بود به عموم مردم تعلیم دهد. [آن حضرت می‌خواست عموم مردم سوره‌ها و آیات] مقدم و مؤخر و عام و خاص و مطلق و مقید و آنچه را ناسخ می‌گویند و منسوخ آیات را در ابتدای مطالعه مصحف و بدون مشقت و نیاز به مراجعه [به دیگران] و سؤال از آنها، به دست آورند. البته ثمرات دیگری نیز بود...

سپس تأکید می‌کند که بی‌تردید تفسیر قرآن مطابق نظر علمی «کرم‌الله

۱. محمدبن احمد ابن جزری؛ التسهيل لعلوم التنزيل؛ ج ۱، ص ۴.

۲. علامه بلاغی؛ آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن؛ ج ۱، ص ۱۸.

۳. عبدالقادر ملاحویش آل غازی؛ بیان المعانی؛ ج ۱، ص ۳.

وجهه منافع عام و فواید زیادی به دنبال دارد.^۱

محمد عزت دروژه نیز تفسیری با این سبک تألیف کرده است. او در

مقدمه تفسیرش به دانش‌های بیشتر نهفته در این سبک چنین اشاره می‌کند:
 بذلك يمكن متابعة السيرة النبوية زماناً بعد زمان، كما يمكن متابعة اطوار التنزيل و
 مراحلها بشكل اوضح و ادق و بهذا يندمج القاري في جو نزول القرآن و جو
 ظروفه و مناسباته و مده و مفهوماته و تتجلى له حكمة التنزيل.^۲

با این [سبک تفسیر] پیگیری سیره پیامبر به ترتیب زمانی ممکن می‌شود.
 همچنین این امکان به وجود می‌آید که حالات و کیفیات نزول و مراحل
 آن به صورتی روشن‌تر و دقیق‌تر پیگیری شود. و با این قرائن خواننده در
 جو نزول قرآن و جو ظرفیت‌ها، مناسبت‌ها و غایات و مفاهیم قرآن قرار
 می‌گیرد و حکمت نزول برایش آشکار می‌شود.

این باور موجب شد تفسیر به ترتیب نزول مورد توجه عده‌ای از
 تفسیرنگاران قرن چهاردهم و پانزدهم هجری قمری قرار گیرد.

چرا نگارش تفسیر به ترتیب نزول تا این زمان به تأخیر افتاد؟ در پاسخ به
 این سؤال می‌توان عواملی را به ترتیب ذیل برشمرد:

۱. عدم نیاز به تغییر سبک هماهنگ با چینش مصحف عثمانی

مسلمانان نیازهایی داشتند که با چینش و ترتیب فعلی سوره‌ها تأمین می‌شد.
 به‌طور عمده نیازشان بسیط بود و در محدوده همین ترتیب پاسخ می‌گرفت.
 همین امر موجب می‌شد تا دست به تدریس یا تدوین تفسیری بر خلاف
 مرسوم نزنند. این مطلب از لابه‌لای برخی مذاکرات و حرف و حدیث‌هایی که
 درباره مصحف امیرمؤمنان علیه السلام گزارش شده است، برداشت می‌شود:

در عهد عثمان هنگامی که اختلاف مصاحف باعث بروز نگرانی‌هایی شد،
 طلحه از امیرمؤمنان علی (ع) درخواست کرد: «ای کاش مصحفان را، که
 بعد از وفات پیامبر (ص) جمع کردید و بر مردم عرضه کردید اما آن را
 نپذیرفتند، دوباره در اختیارشان بگذارید». حضرت از پاسخ خودداری

۱ همان، ص ۴.

۲ محمد عزت دروژه؛ التفسیر الحديث؛ ج ۱، ص ۹.

کردند. طلحه دوباره سؤال کرد. حضرت فرمود: ای طلحه من به عمد از پاسخ تو خودداری کردم! به من بگو آیا آنچه مردم جمع کرده‌اند همه آن قرآن نیست؟ یا آنکه [فکر می‌کنید] چیزی غیر از قرآن در آن وجود دارد؟ طلحه گفت: «البته همه آن قرآن است». امام فرمود: «اگر به آنچه در آن [مصحف عثمانی] است پایبند باشید از آتش نجات یافته و داخل بهشت می‌شوید...» طلحه گفت: اگر آنچه [در مصحف عثمانی است] قرآن است، همین برایم کافی است.^۱

از این گفتگو روشن می‌شود که امثال طلحه به محتوای معارف برگرفته از آیات در همان پیشر قانع بودند و به ترتیب دیگری که آگاهی‌های بیشتری را به دنبال داشت، نیازی نداشتند. جالب است بدانیم که در همان ایام در مواردی که دانستن ترتیب نزول سوره‌ها و حتی آیات به فهم آیات کمک می‌کرد، به ضرورت دانستن ترتیب نزول توجه داده شده است. نمونه آن آیات ناسخ و منسوخ است. پس از آن هر چه نیاز بیشتر شد، مسلمانان به اصلاح روش‌ها و منابع تفسیری یا تغییر سبک‌ها روی آوردند. چنان‌که پس از دوره‌ای مسلمانان از تفسیر به روش روایی و متأثر به تفسیر اجتهادی و از تفسیر ترتیب مصحفی به تفسیر موضوعی روی آوردند. درحالی‌که بیشتر تفسیر موضوعی مورد توجه قرار نمی‌گرفت. علت روی آوردن به تفسیر موضوعی نیاز به بررسی کامل و جامع موضوعاتی بود که به شکل پراکنده در قرآن آمده بود.

۲. نگرانی از شکستن وحدت امت اسلامی درباره قرآن

بررسی‌ها نشان می‌دهد که تاریخ پرفراز و نشیب امت اسلامی و اختلافات و تلاطماتی که آنان را فراگرفت موجب شد تا دلسوزان و علاقه‌مندان به حفظ حداقلی وحدت امت اسلامی از هرگونه تشدید تنش و اختلاف پرهیزکنند و مسلمانان را از آن برحذر دارند. تأکید بر اختلاف نکردن درباره قرآن که میراث بزرگ پیامبر اسلام ﷺ بود دو چندان بود. بر همین اساس شاهد نهی معصومان علیهم‌السلام از دستبرد در قرآن به بهانه اصلاح آن هستیم. نهی‌هایی که

۱. سلیم بن قیس؛ اسرار آل محمد؛ ص ۸۱۰/ محمدباقر مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج ۹۲، ص ۴۲.

درباره اختلاف قرائات^۱ یا اصلاح رسم الخط‌های غلط^۲ از ایشان وارد شده به‌طور معناداری الهام‌بخش اجتناب حدالمقدوری از دست‌بردن در قرآن و شکستن اجماع صحابه و مسلمانان است. سخن پیشین حضرت علی علیه السلام در پاسخ به درخواست طلحه در همین جهت قابل تحلیل است. آن حضرت از اینکه قرآن دیگری در برابر قرآن رسمی مسلمانان طرح شود به شدت منع می‌کردند. در روایتی منقول از ایشان وارد شده است که پس از گردآوری مصحف عثمانی فرمودند: «لا یهاج القرآن الیوم: امروز قرآن هیجان زده و برانگیخته نشود». یعنی آن حضرت از هرگونه اقدامی که متن قرآن را در چنین سوره‌ها یا آیات یا اصلاح غلط‌های رسم الخط و نظایر آن تغییر دهد، منع کردند.

به‌طور طبیعی این احتمال وجود داشت که تفسیرنگاری در سبک‌های دیگر، شامل موضوعی یا ترتیب نزولی، به این فتنه‌ها دامن زند؛ به‌خصوص که نیاز و داعیه‌ای به تفسیر در غیر سبک مرسوم وجود نداشت. اما در قرن‌های اخیر که متن قرآن تثبیت شده و خطر هارفع گردیده، این نگرانی مرتفع شده است. شاهد این برداشت آن است که مسلمانان به تدریج و هنگامی که نگرانی درباره متن مصاحف رسمی مرتفع شد، به نقطه‌گذاری، اعراب و شکل‌گذاری کلمات قرآن و حتی تغییر خط و نگارش از کوفی به نسخ و نیز به ترجمه قرآن روی آوردند و هرچند در آغاز، اما و اگرهایی وجود داشت اما بالاخره با این استدلال که اینها هیچ‌کدام تغییر مصحف عثمانی نیست، تغییرات مذکور همگی به‌خصوص شد. مسئله در تفسیر از آن آسان‌تر بود. هنگامی که نیازهای جدید رخ نمود و ضروری بود که مسلمانان از قرآن بیشتر بدانند، به سمت سبک‌های موضوعی و ترتیب نزولی رفتند.

۱. محمد بن الحسن حرّ عاملی؛ وسائل الشیعة؛ ج ۴، ص ۸۲۱، ح ۳.

۲. محمد بن جریر طبری؛ تفسیر طبری؛ ج ۱۷، ص ۹۳/ فضل بن الحسن طبرسی؛ مجمع البیان؛ ج ۹، ص ۲۱۸.

۳. جلال الدین سیوطی؛ الدرالمثور؛ ج ۶، ص ۱۵۷.

محمد عزت دروزه در این باره تصریح می‌کند:

تفسیر، مصحف تلاوت نیست بلکه عملی فنی یا علمی در جای خود است، و همان گونه که می‌توان هر سوره را به طور مستقل و بدون ارتباط به ترتیب مصحف تفسیر کرد، البته این گونه تفسیر ارتباطی با کرامت قرآن ندارد، همچنان که مصحف علی (ع) نیز چنین نبود. به نظر ما این سبک تفسیر خدمت به قرآن از راهی سودمندتر است و انحراف و شاذگویی نیست.^۱

البته باید توضیح داد که اقتدا به *امیرمؤمنان علی (ع)* که در کلمات مؤلفان تفاسیر بیان *المبانی و الحدیث* وارد شده با این پیش فرض است که مصحف آن امام همام تفسیر شمرده شود و نه مصحف قرائت. این پیش فرض به نظر نگارنده، چنان که خواهد آمد، درست است.

چون تفسیر قرآن عملی روشمند است، مسلمانان همواره از ورود به تفسیرهای غیرمنضبط و تفسیر به رأی، که زمینه تحریف معنوی قرآن را فراهم می‌کند، بر حذر شده‌اند. صاحبان سبک‌های تفسیر برای توضیح مبانی، اصول و روش‌های تفسیر در قالب مقدمات تفسیرهای خود یا در قالب مباحث علوم قرآن به مباحث نظری سبک‌های تفسیری توجه کرده‌اند. نگارندگان تفسیر به ترتیب نزول نیز از این قاعده پیروی کرده‌اند اما نوشتن تفصیلی، جامع و شامل همه مباحث نظری مرتبط با این سبک به رشته تحریر در نیامده است. نوشتار حاضر سعی دارد جای خالی این کتاب را در کتابخانه‌های مسلمانان پر کند و امیدوار است که به هدف مورد نظر رسیده باشد.

مباحث این کتاب در پنج فصل کلیات، مبانی، اصول، قواعد و سودمندی سبک تفسیر به ترتیب نزول تنظیم شده است.

در اینجا تأکید بر نکاتی ضروری است:

۱. ارزش سبک‌های تفسیری به آثار و فواید نهفته در آنها و میزان توفیقی است که به افزایش برداشت‌های صحیح از قرآن بینجامد. اگر مفسری سبک تفسیر به

ترتیب نزول را انتخاب کند اما قدرت نمایان ساختن برخی از دانش‌های نهفته در قرآن را - که تنها از این سبک به دست می‌آیند - نداشته باشد، اقدامش توجیه منطقی ندارد. به نظر ما فایده بزرگ این سبک تفسیری، شناخت روش‌های قرآنی در تغییر فرهنگ جاهلی است. قرآن برای شکستن مقاومت‌هایی که در برابر تغییر وضعیت نامطلوب صورت می‌گرفت راهکارهایی داشته که آنها را در ضمن آیات به موقع عمل‌گذارده است. این راهکارها در ترتیب نزول قابل شناسایی است.

همچنین دعوت مردم به فرهنگ اسلامی و گام‌های منطقی این تحول، تا آنجا که باورها و رفتارهای جدید در میان مردم نهادینه شود و به اصطلاح تبدیل به فرهنگ شود، بخش مهم دیگری از فواید این سبک است.

بخش سوم ارزش این سبک تفسیری، شناخت روش‌های گذر از چالش‌ها و آسیب‌های احتمالی و مهیا شدن برای اصلاح مردم، در طول سالیان دراز اصلاح دینی مردم توسط مریدان است. تجلی این مهم در رهنمودهای فراوان خدای متعال به پیامبر ﷺ است که در ضمن و لابه‌لای برنامه هدایتی - تربیتی قرآن کریم بیان شده است. برای مثال پژوهشگری که بخواهد سیر تحول جامعه و مردم را از شرک تا توحید پیگیری کند و بداند که این بحث را قرآن از کجا آغاز کرد، در کجا به فرجام رساند، با مقاومت‌های احتمالی چگونه برخورد کرد، میان برخورد با مشرکان معاند و ادامه دعوت مردم چگونه جمع کرد، چگونه و با چه ترتیبی مقاومت‌ها را شکست و چگونه از کجا میان مباحث معرفتی توحید، مثلاً با معاد ارتباط برقرار کرد، چاره‌ای جز مطالعه قرآن در سیر ترتیب نزولی ندارد.

۲. هرچند روش ابلاغی قرآن در زمان پیامبر اکرم ﷺ به ترتیب نزول بوده است و حتی آن حضرت تعدادی از سوره‌های مفصلات را که به احتمال قوی به ترتیب نزول بود برای آموزش قرآن به تازه مسلمانان تنظیم کرده بود و هرچند اجازه قطعی و توقیفی چیش سوره‌ها به ترتیب موجود در مصحف رسمی مورد اتفاق مسلمانان قرار نگرفته است، اما در عین حال توافق و اجماع

صحابه و نیز سکوت، رضایت و بلکه بالاتر از آن ارجاع *ائمہ اطہار علیہ السلام* به مصحف رسمی، شاهد معتبر بودن چینش قرآن‌های موجود و عدم اجازه تغییر در تدوین مصاحف رسمی است. به عبارت روشن‌تر، هرگونه تغییر در چینش مصحف رسمی، غیر جائز است و تفسیر قرآن بر اساس هر یک از سبک‌های موضوعی یا ترتیب نزولی، مجوز تغییر ساختار قرآن نیست.

آیا حتی قرائت قرآن بر اساس عم جزءهایی که از سوره ناس آغاز و به سوره براء ختم می‌شود مجوز تغییر نگارش سوره‌های مصحف رسمی به ترتیب عم جزءها می‌گردد؟ به طور مسلم جواب منفی است. بنابراین نباید سبک ترتیب نزول را مجوز نگارش قرآن به ترتیب مذکور شمرد.

۳. تفسیر ترتیب نزول سوره‌ها راه منحصر به فرد شناخت مراحل و سیر تغییر و تحول معاصران نزول قرآن از قومی «فی ضلال مبین»^۱ تا امتی توانا، مستقل و پرثمر است، که قرآن درباره آنها فرمود: «فاستوی علی سوقه یعجب الزراع».^۲ آنچه از این بررسی به دست می‌آید ترکیبی از روش‌های مرتبط با آن جامعه است. اما چگونگی انطباق آن روش‌ها بر شرایط جدید و مردم و فرهنگ‌های دیگر، نیاز به مطالعه و بررسی‌های تطبیقی دقیقی دارد. همچنان‌که جری و تطبیق محتویات آیات بر افراد و جریان‌های پس از نزول، نیاز به بررسی و شناخت دقیق تشابه‌ها و وجه امتیازها دارد.

۴. توجه به تفسیر تنزیلی با اهداف و انگیزه‌های مختلف صورت گرفته است، مباحث نظری می‌تواند نوع انگیزه و روش درست این سبک و مبادی آن را روشن کند. برای مثال، عمده شرق‌شناسان بر این باورند که تاریخ‌گذاری سوره‌ها به شناخت تطورات شخصیت پیامبر *صلی الله علیه و آله* در طول رهبری ایشان کمک می‌کند. ورای چنین ادعایی، نقش تلویحی آن حضرت در تولید قرآن نهفته است. افزون آنکه، در تحلیل محتوای سوره‌ها و تخمین‌های غیر واقعی، مثل هماهنگی با سجع کاهنان در آغاز ادعای رسالت و بی‌انسجامی و شعری‌بودن

۱. جمعه: ۲.

۲. فتح: ۲۹.

کلمات صادر شده را ملاک تعیین رتبه سوره‌ها قرار داده‌اند. برخی نیز به جدا کردن آیات استثنایی از سوره‌ها و تفکیک محتوای سوره از آنها پرداخته‌اند؛ چنان‌که در نوشته *مهندس بازرگان* ملاحظه می‌شود. گروهی نیز در انتخاب جدول‌ها روش‌های ذوقی و سلیقه‌ای را پیگیری کرده‌اند و با توجه به تشابه و سیاق احتمالی، رتبه سوره‌ها را تعیین کرده‌اند.

۵. عدم توجه به روش‌ها و قواعدی که به سامان‌دهی سوره‌ها بینجامد و انسجام محتوایی و ساختاری آنها را برقرار کند، از دیگر مشکلات تفسیرنگاری‌های ترتیب نزولی است. سعی ما در این نوشتار آن است که حدالمقدور از روش‌ها و گرایش‌های تفسیری مرسوم تجاوز نشود، با چهارچوبه‌های پذیرفته‌شده و مشهور مخالفت نگرده، تفسیرنگاری‌های غیر این سبک تخطئه نشوند و الضباط و ساختاری منطقی، متین و مشروع برای این سبک تفسیری پایه‌گذاری شود.

نویسنده ادعا ندارد مباحث نظری تدوین شده در این نوشتار جامع و کامل باشد اما تلاش کرده است ساختاری متین، قابل قبول و روشمند را به خواننده اثر منتقل کند، انشاءالله.

توجه اهل پژوهش و تکمله‌ها و نقدها، غنای مباحث نظری این سبک را بیشتر خواهد کرد.

در خاتمه لازم است از پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و گروه قرآن‌پژوهی که فرصت ارانه چنین پژوهشی را فراهم کردند، تشکر و امتنان خود را اعلام دارم.

بهجت پور
حوزه علمیه قم